

سرمقاله

ابتکار عمل جنگ را در دست بگیریم

حفیظ الله زکی

حضور داعش در افغانستان اکنون به یک تهدید جدی تبدیل شده است. این تهدید تنها به مسایل داخلی مربوط نمی شود؛ بلکه دخالت کشورهای خارجی در شکل گیری گروه های افراطی نقش اساسی دارد. گروه داعش مانند گروه طالبان جنگ های نیابتی کشورهای دیگر را در افغانستان به پیش می برد. از این رو باید تمام تحركات و برنامه های آن در افغانستان جدی گرفته شود و در برابر هر کنش آن باید واکنش مناسب نشان داده شود. حکومت افغانستان پس از سال ۲۰۰۲ که طالبان و شبکه القاعده از کشور به بیرون رانده شده بودند، اعلام کرده بود که دیگر عمر طالبان و شبکه های تروریستی در افغانستان به پایان رسیده و این گروه ها شانس برگشت به خاک افغانستان را نخواهند داشت. اما پس از انسداد زمانی دیدیم که این گروه ها دوباره نیروهای خود را برای عملیات های خرابکارانه به افغانستان فرستادند. حکومت و جامعه جهانی به جای این که حضور این گروه ها را در مرزهای کشور جدی بگیرند، وانمود کردند که این حضور زیاد اهمیت ندارد و این گروه ها قادر به نفوذ در مراکز ولایت ها و ولسوالی ها نخواهند بود. واقعیت اما، برعکس برداشت های اولیه اتفاق افتاد و گروه طالبان روز به روز حضور خود را در مناطق و ولسوالی های دور دست تقویت کرد. پس از چند سال ما دیدیم که همین طالبان تا مرزهای پایتخت پیشروی کردند و امنیت سراسر کشور را با تهدید مواجه نمودند.

در مورد داعش نیز همین قضیه اتفاق افتاد. نیروهای امنیتی در آغاز کوشش می کردند که خطر داعش را کوچک جلوه دهند و حضور داعش در افغانستان را بیشتر به جنگ های تبلیغاتی منوط می دانستند، تا به واقعیت های تلخ و عینی امنیتی. ولی حالا همین گروه به یک تهدید جدی در کشور تبدیل شده است. خطر داعش امروزه به مراتب بیشتر از خطر طالبان، مردم را نگران ساخته است چیزی که امروزه مهم به نظر می رسد، این است که حکومت و نیروهای امنیتی فعالیت داعش و سایر گروه های هراس افکن را مطابق به واقعیت و همساز با حمایت ها و پشتوانه های خارجی این گروه ها مورد بررسی و قضاوت قرار دهند، کوچک انگاری این گروه ها سبب اغفال نیروهای امنیتی در طرح سیاست های کارآمد امنیتی در کشور می گردد، همانطور که بزرگ بینی آنها باعث تضعیف مورال نظامی نیروهای امنیتی و افزایش نگرانی های عمومی از این گروه ها خواهد گردید.

امسال برای نیروهای امنیتی سال آزمون بزرگ در مقابله با تروریسم می باشد. زیرا در این سال مسؤلیت امنیت تعامی جغرافیای افغانستان به عهده نیروهای داخلی می باشد و نیروهای خارجی دیگر دخالتی در جنگ و مقابله با شورشیان ندارد. به این خاطر می گویند که سال آینده سال آزمون بزرگ برای نیروهای امنیتی کشور به حساب می آید.

در سال های گذشته نیروهای خارجی و امنیتی کشور بیشتر منتظر می ماندند تا هراس افکنان حملات شان را آغاز کنند و آنگاه این نیروها مشترکا به دفاع برمی خواستند و جلوی پیشروی نیروهای دشمن را می گرفتند؛ اما امسال می طلبد که نیروهای امنیتی ابتکار عملیات ها را در دست بگیرند و پیش از آن که دشمن، نیروهای امنیتی را غافل گیر کنند، این نیروها مراکز تجمع، سازماندهی و عملیاتی آنها را هدف قرار دهند. اگرچه پیش از آغاز امسال، نیروهای امنیتی به منظور پیشگیری از عملیات بهاری طالبان، عملیات بزرگی را در ولایت هلمند راه اندازی کردند؛ اما رویداد ماههای گذشته نشان داد که این عملیات آنطوری که انتظار می رفت، دستاوردی به دنبال نداشته است. در گذشته نیروهای امنیتی هم از توان و ظرفیت کافی برخوردار نبودند و هم هماهنگی می رفت، دستاوردی به دنبال نداشته است. در گذشته نیروهای لازم در میان ارگان های مختلف امنیتی وجود نداشت؛ اما اکنون به نظر می رسد که در هر دو زمینه تحولات و پیشرفت های عظیمی به وجود آمده و این نیروها می توانند عملیات های نظامی بزرگ و گسترده ای را مؤققاته به انجام رسانند. تغییر جغرافیای جنگ تاکتیک جدید و مؤقتی بود که هراس افکنان توانستند از طریق آن حکومت را غافل گیر و مردم را بیشتر از پیش هراسان سازند. این نشان می دهد که ما توان ابتکار عمل را از دست داده ایم و برخورد ما با هراس افکنان اغلب منفعلانه بوده است.

ملا عمر، رهبر گروه طالبان هر ساله پیام عیدی می فرستد اما امسال پیام عیدی او متفاوت از دیگر سال ها بود. این دگرگونی ناشی از چیست؟ چرا ملا عمر حاضر به گفتگو و مصالحه با دشمن شده است. آیا او وارد گفتگو شده است تا صلح کند و یا اینکه از کارت گفتگو برای خونریزی بیشتر استفاده می کند. چه باعث شده است که حاضر به گفتگو مستقیم با دولت افغانستان شود. در نوشتار کنونی با توجه به پیام عیدی ملا عمر، رهبر گروه طالبان تلاش می شود به سوال های مذکور پاسخ داده شود.

ملا عمر از دیر باز، حکومت افغانستان را دست نشانده آمریکا می دانست. برای همین، در برابر حکومت می جنگید. در دوران ریاست جمهوری حامد کرزی رسماً اعلان نمود که حکومت افغانستان دست نشانده آمریکا است و من با حکومت دست نشانده مذاکره و گفتگو نمی کنم. اکنون اما، با توجیه دینی با حکومت دست نشانده وارد مذاکره شده اند و گفته اند که در اسلام مذاکره با دشمن ممنوع نشده است. با این حال، پیش فرض ملا عمر این است که حکومت افغانستان دشمن گروه طالبان است. ما با دشمن مذاکره و گفتگو می کنیم اما از آنجایی که حکومت دشمن ماست حملات ما نیز جریان دارد. پر واضح است که در آینده نزدیک احتمال کاهش حملات گروه طالبان متصور نیست. با وجود اینکه پیام عیدی ملا عمر جواز گفتگو را داده است به صورت غیر مستقیم جواز حمله را نیز صادر نموده است. بنابراین، انتظار داشتیم از بهبود اوضاع امنیتی در آینده نزدیک قابل پیش بینی نیست. حداقل، پیام عید ملا عمر چنین چیزی قابل فهم و درک نیست.

حکومت افغانستان همچنان دشمن گروه طالبان است و آن ها مبارزه خود را ادامه می دهد. با این حال، با حکومت افغانستان به خاطر دست یافتن به نتیجه مذاکره می کنند. این مذاکره اما، شامل خواست

ها و امتیاز طلبی های گروه طالبان از حکومت افغانستان است. خواسته حکومت افغانستان روشن است. دست از جنگ بردارید و در چارچوب قدرت و حکومت افغانستان سهم بگیرید. خواسته گروه طالبان اما، متفاوت است. آن ها در عین حال که خواهان سهم در چارچوب قدرت است، به دنبال تعدیل قانون اساسی افغانستان نیز هست. مشکل اساسی و جدی نیز همین مسئله است. آیا تعدیل قانون اساسی به خاطر خواست گروه طالبان ارزش دارد. اگر ارزش ندارد، حکومت افغانستان بر چه مبنای حاضر به قبول این خواست گروه طالبان می شود.

ملا عمر از دیر باز، حکومت افغانستان را دست نشانده آمریکا می دانست. برای همین، در برابر حکومت می جنگید. در دوران ریاست جمهوری حامد کرزی رسماً اعلان نمود که حکومت افغانستان دست نشانده آمریکا است و من با حکومت دست نشانده مذاکره و گفتگو نمی کنم. اکنون اما، با توجیه دینی با حکومت دست نشانده وارد مذاکره شده اند و گفته اند که در اسلام مذاکره با دشمن ممنوع نشده است. با این حال، پیش فرض ملا عمر این است که حکومت افغانستان دشمن گروه طالبان است. ما با دشمن مذاکره و گفتگو می کنیم اما از آنجایی که حکومت دشمن ماست حملات ما نیز جریان دارد. پر واضح است که در آینده نزدیک احتمال کاهش حملات گروه طالبان متصور نیست. با وجود اینکه پیام عیدی ملا عمر جواز گفتگو را داده است به صورت غیر مستقیم جواز حمله را نیز صادر نموده است. بنابراین، انتظار داشتیم از بهبود اوضاع امنیتی در آینده نزدیک قابل پیش بینی نیست. حداقل، پیام عید ملا عمر چنین چیزی قابل فهم و درک نیست.

حکومت افغانستان همچنان دشمن گروه طالبان است و آن ها مبارزه خود را ادامه می دهد. با این حال، با حکومت افغانستان به خاطر دست یافتن به نتیجه مذاکره می کنند. این مذاکره اما، شامل خواست

ملا عمر؛

از ریختن خون دشمن تا آمادگی برای گفتگو های صلح

علی قادری

هزینه نیست. از طرف دیگر، اعضای گروه طالبان به نسبت از رهبری گروه طالبان ناراضی است. این ناراضی به خاطر ماندن گروه طالبان در حاشیه قدرت است. پیوستن اعضای گروه طالبان به داعش نشان از ناراضی شدن شان از رهبری گروه طالبان است. این مسئله فشار مضاعف بر گروه طالبان وارد می نماید. در چنین شرایطی، گروه طالبان راهی جز مذاکره و گفتگو با حکومت افغانستان را ندارد.

تحت فشار بودن گروه طالبان می تواند دست حکومت افغانستان را باز نگه دارد. حکومت با توجه به فشار های که بر گروه طالبان وارد می شود، می تواند خواست های آن ها تعدیل نماید. زیرا، گروه طالبان راهی جز گفتگو و مذاکره با حکومت را ندارد. در طرف دیگر، داعش به هیچ وجه حاضر به گفتگو با گروه طالبان نخواهد شد. از این جهت، حکومت دست بالای در گفتگو صلح با گروه طالبان دارد.

مخاطب پیام عیدی به صورت مستقیم اعضای گروه طالبان است اما به صورت غیر مستقیم حکومت افغانستان، جامعه جهانی نیز می باشد. ترشش که در پیام عیدی ملا عمر دیده می شود، می تواند روی عملکرد های اعضای گروه طالبان تاثیر بگذارد و آن ها دست از رفتار های خشونت آمیز بکشد. اما، این تاثیر گذاری قطعی نیست.

این پیام می تواند سیاست اعلامی گروه طالبان باشد. ممکن سیاست اعمالی این گروه مطابق با پیام عیدی ملا عمر نداشته باشد. باور نگارنده نیز بر این است که پیام عیدی ملا عمر، اعلامی است و ربط و نسبت با سیاست های اعمالی این گروه ندارد. انتحار، انفجار و جنگ در برابر نیرو های امنیتی کشور ادامه خواهد داشت. از این جهت، حکومت نیز باید آمادگی هر گونه رفتار را از سوی گروه طالبان داشته باشد.

گفتگو با گروه طالبان و امتیاز دهی و خارج شدن از چارچوب قانون اساسی عقلانی



نیست. زیرا، پیوستن گروه طالبان به حکومت به پیمانۀ قانون اساسی ارزشمند نیست. از این جهت، گفتگو به قیمت تعدیل و یا تغییر قانون اساسی یک معامله نابرابر و به ضرر مردم افغانستان است. نابرابری این معامله باعث می شود که دستاورد های بیش از یک دهه حکومت افغانستان به دست فراموشی سپرده شود و از بین برود. اما، این بدین معنی نیست که حکومت افغانستان با گروه طالبان مذاکره نکند اما مذاکره نباید به قیمت تغییر قانون اساسی و از دست دادن دستاورد های بیش از یک دهه گذشته تمام شود. این هزینه سنگین است. حد اقل مردم افغانستان حاضر به از دست دادن قانون

ده اصل عملکرد نظریه توطئه

نویسنده: بنویت بریول / ترجمه: شهباز نخعی / قسمت دوم و پایانی

در ماه تریدید کردند. بزودی توضیحاتی برای پرسش های آنها مطرح شد: پرچم در نبود باد در اهتزاز بود زیرا از قطعاتی بهم متصل شده ساخته شده بود، اثر چشم انداز توضیح گر جنبه غیرموازی



تاریخی، چرا نمی باید شکست های منجر به سوء قصد های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ یا ۷ جنوری ۲۰۱۵ با این سوابق امریکایی یا فرانسوی مقایسه شود؟ نه - هرگز در قدرت دشمن اغراق نشود.

تاریخی، چرا نمی باید شکست های منجر به سوء قصد های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ یا ۷ جنوری ۲۰۱۵ با این سوابق امریکایی یا فرانسوی مقایسه شود؟ نه - هرگز در قدرت دشمن اغراق نشود.

اصل قدیمی است: چندسال پس از انقلاب فرانسه، راهب باروتل مثلث بودن شکل تیغه گیوتین را به فراماسون ها نسبت می داد. همین امر درمورد ستاره یهود نیز صادق است. آقای لویی فراخان، رهبر سازمان مذهبی امریکایی «ملت اسلام» چنین توضیح می داد که اگر ۱۲ ستاره موجود روی پرچم امریکا به یکدیگر متصل شود، شکل ستاره داوود پدیدار می شود. این بازی، که جستجوی امضای قاتل درعمل جنایت را نیز شامل می شود، به علم شناسایی اعداد با رمل و اسطرلاب شباهت دارد. بنابراین یک مقاله منتشر شده در ویکی استریکی، حملات علیه مرکز تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر یعنی ۹.۱۱ یا ۹۱۱ (رخ داده که در ایالات متحده شماره تلفن پلیس است، سوء قصد های شارلی ابدو در تاریخ ۷ جنوری، ۱.۷ یا ۱۷ بوده که شماره تلفن پلیس فرانسه است. باهم یکی دیگر از «جزئیات مهم و تیره»...

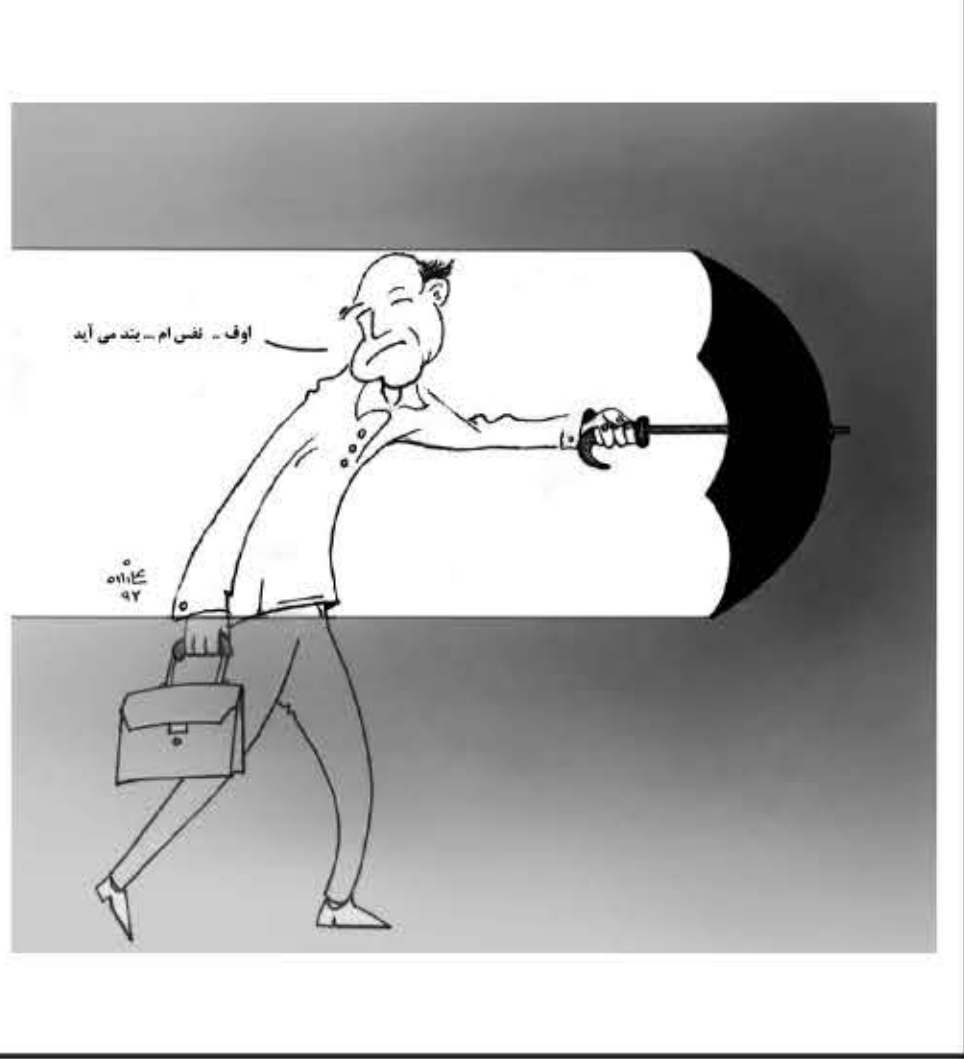
شش - نفی تصادف و اتفاق («این امر برحسب تصادف نیست که...») برای اثباتش تعداد هرچه بیشتر از جزئیات مبهم و تیره، باید چنین در نظر گرفت که تصادف و اتفاق وجود ندارد و هر واقعه ای دارای معنایی خاص است. بنابراین، هم زمانی دو رویداد همواره با رابطه علت و معلولی تفهیم می شود. این چنین است که خودکشی فرد دوم پلیس لیموز در ۸ جنوری، که تازه مامور انجام یک ماموریت در چهارچوب سوء قصد شارلی ابدو شده بود، به صورت یک «نشانه مبهم و تیره» به حساب می آید. پیروان نظریه توطئه متخصصان بی همتایی در علم نشانه شناسی نیز هستند. اگر مثلی روی یک اسکناس یا بسته سیگار دیده شود، آنجا که در آن رد و اثر فراماسون ها را می بینند. این یک

با آن که پیروان نظریه های توطئه بر این باورند که دشمنان شان قدرتمندتر از آن هستند که دچار شکست شوند، به صورتی متناقض اشتباهاتی ناشیانه به آنها نسبت می دهند. به عنوان نمونه، بنابراین نظریه ها، در سال ۱۹۶۹ هیچ قضاوتی درمراه پیاده نشده است، تصاویر توسط ایالات متحده ساخته و پرداخته شده تا اتحاد جماهیر شوروی را تحت تاثیر قرار دهد. مدارک اثبات: در تصاویر نیل آرمسترانگ هیچ ستاره ای در آسمان دیده نمی شود. بنابراین، امریکایی ها موفق شده اند همه دنیا را با فرود آمدن قلابی در ماه فرورد دهند اما آنقدر کودن بودند که نتوانستند چند ستاره در تصویر قلابی آسمان بگذارند...

فوق العاده کارآمد هستند، می توانستند جلوی آنها را بگیرند. دیوید ری گرین، در «پسر هازبور جدید» (نشر دمی لون، ۲۰۰۶) می نویسد: «در پرتو روندهای معمول مربوط به هواپیماهای رنده شده، حتی یکی از هواپیماها نمی بایست به هدف برخورد کند چه رسد به هرسه آنها». همین استدلال را سورال در تارنمای خود درمورد برادران گواشنی مطرح می کند: «اراده ای اصیل برای اژهم پاشیدن شبکه های اسلام گرا می بایست نیروهای ویژه ما - که وسایل بسیاری در اختیار دارند - را واداشته باشد آنها را زنده بگیرند تا به حرف زدن وادارشان کنند...»

با این حال پیش می آید که پلیس یا ارتش موفق نمی شوند. عملیات «پنجه عقاب» با آن که به خوبی در آوریل سال ۱۹۸۰ تدارک دیده شده بود، برای نجات گروگان های نگهداری شده در سفارت امریکا در تهران به خاطر یک توفان شن و نقص تجهیزات و کمبود هلیکوپتر با شکستی اسفناک روبرو شد. چندماه بعد، جان بینگلی جونیور به تنهایی توانست در حلقه حفاظتی رونالد ریگان نفوذ نموده و شش گلوله به سوی رئیس جمهوری امریکا شلیک کند. در اکتبر ۱۹۸۲، در گرماگرم جنگ لبنان، دو سوء قصد تقریباً هم زمان در بیروت، موجب کشته شدن نزدیک به ۳۰۰ نظامی امریکایی و فرانسوی شد. با بازی تشابه

کارتون روز



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسؤلیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent